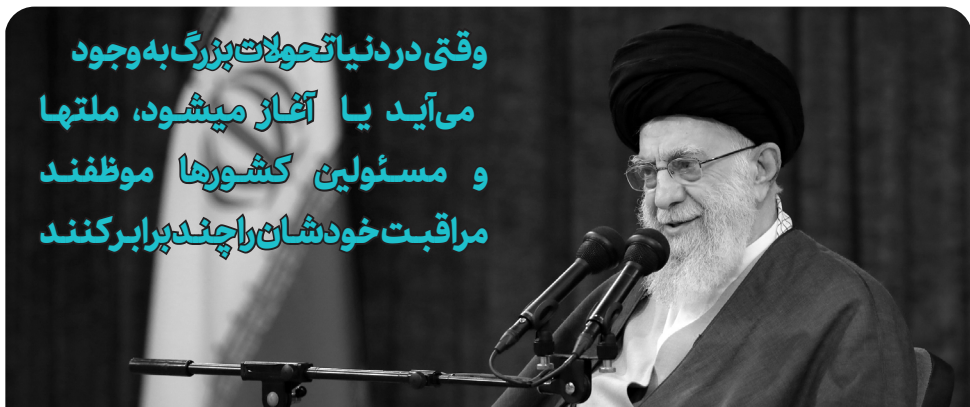




وقتی در دنیا تحولات بزرگ به وجود می آید یا آغاز میشود، ملتها و مسئولین کشورها موظفند مراقبت خودشان را چند برابر کنند



آن نکته که من مایلم بخصوص جوان ها خیلی به آن توجه کنند این است؛ وقتی در دنیا تحولات بزرگ به وجود می آید، ملتها و مسئولین کشور
ها موظفند مراقبت خودشان را چند برابر کنند. اگر این مراقبت انجام گرفت سر ملتها کلاه نخواهد رفت و ملتها ناچار نخواهند شد که به راهی
ضد منافع خودشان حرکت کنند. اگر این مراقبت انجام نگرفت و غفلت شد، ضربه های بلند مدتی به ملتها وارد خواهد شد.

مقام معظم رهبری ۱۴۰۲/۱۰/۲۰

وَاصْرِفْ عَنِّي بِمَسْئَلَتِكَ إِلَيَّ كَجَمِيعِ شَرِّ الدُّنْيَا وَشَرِّ الْآخِرَةِ



مهوریت قرآن تنها از آن وجه نیست
که در طاقچه ها محبوس مانده است...
بلکه وجه بسیار دردناک تر مهوریت
قرآن در آنجاست که اکثر کسانی که به
آیات قرآن استناد می کنند برای اثبات
پیشداوریهای خویش است که به سراغ
آن می روند.

**سوره فلق، سوره حرکت و
سیر به سمت نور است که اگر
کسی از حرکت باز ایستد در
جهنم خود می سوزد ...**

در این سوره به رسول گرامی خود دستور می دهد که از هر شر و از خصوص بعضی شرور به او پناه ببرد، و این سوره به طوری که از روایات وارده در شان نزولش برمی آید در مدینه نازل شده است. / ترجمه تفسیر المیزان، ج ۲۰، ص: ۶۸۰

بسم الله الرحمن الرحيم. الحمد لله رب العالمين. اللهم صل على محمد و آل محمد.

سوره فلق سوره حرکت و سیر به سمت نور است که اگر کسی از حرکت باز ایستد در جهنم خود می سوزد و به عذاب مبتلا می شود. در این سوره می آموزیم که باید پیوسته به و پیوسته در راه خدا تلاش و مجاهدت کرد تا در کبید و عقده های دشمنان گرفتار نشد.

استاد احمد رضا اخوت

قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ

واژگان آیه ۱

قُلْ: هو ابراز مافی القلب و انشاؤه بآی وسیله کان ابراز و انشا آنچه در قلب است که به شیوه ای میتواند رخ دهد.
اعوذ: هو التجاء الی شیء و اعتماع به من شرّ مواجه (پناه بردن به چیزی که توان ایجاد مصونیت از شر مواجه را دارا باشد).
ربّ: سوق الی جهة الکمال و رفع النقصان
رافع نواقص و سوق دهنده به سوی کمال،
فلق: هو انشاق مع حصول اِبانه بین الطرفين
(شکاف و انشقاقی همراه با حصول جدایی میان دو طرف چیزی).

هر اثری در این عالم به واسطه اثرگذاری یکتاهستی بخش آفرینش و در جلوه هایی از اسماء جلال و اکرام به وجود می آید. فلق، ظهور وساطت اسماء الله در این پدیداری است که در همه عرصه های خلقی قابل مشاهده است. کتاب فلق؛ طلوع اثر

شب از راه رسیده است و تاریکی آرام آرام تمام موجودات را فرا میگیرد. بی سرو صدا، در سکوتی رمز آلود، ظلمات تمام افق را در تصرف خود در می آورد و لحظه ها، غرق در سیاهی شب میشوند. شکل ها و حجم ها و رنگ ها همگی مغلوب ظلمت گشته اند... چشم ها از ندیدن خسته شده اند و دلها از این سکوت، به تنگ آمده اند. ناگهان در مشرق افق، نور امید جوانه میزد. آسمان نفس تازه میکند و زمین مشتاقانه چرخش خود را ادامه میدهد و دلهای بیقرار آرام میشوند. فلق، مزده رسیدن نور است. مزده حیات و روشنی، روشنی فلق با قلب های خسته همان کاری را میکند که پیراهن یوسف با چشم های یعقوب. فلق، هدهد خوش خبری است که شکوه ملک سلیمان را به ملکه سبا هدیه میدهد. فلق، هدیه پروردگار به اهل زمین است. به ساکنان عالم خلق؛ هدیه ای از جنس نورتا قانون حرکت و حیات را بشناسند....

صدای بلال مالتک به گوش میرسد و عطر وحی مدینه انبی را در برگرفته است. آسمان آماده بارش رحمت الهی است. بگو پناه میبرم به پروردگار سپیده دم. بگو! به همگان بگو تا بدانند هر آنچه در زمین رخ میدهد، امتدادی دارد و پروردگار، بندگانش را در تاریکی ها رها نکرده است. او تمام مسیر را نشانه گذاری کرده تا بندگانش بخوانند آنچه دیگران نمی توانند بخوانند و ببینند آنچه را که دیگران توان دیدنش را ندارند. آری؛ به مخلوقات بگو که رب فلق، پناه من است و من پناهنده درگاه او هستم.

(قل اعوذ برب الفلق...)
نویسنده: استاد ذاکری

- کلمه قل، همانطور که مشخص شد تنها به معنای امر مصدر گفتن نمیباشد؛ بلکه معنای دقیق تر آن ابراز کردن آنچه انسان در درون خود دارد به محیط اطرافش. و نکته ای از واژه قل که قبل اعوذ آمده است میتوان فهمید، آن است که یکی از زیبایی های پناه آوردن، به تنهایی پناه نبردن است. و در واقع هدف «قل اعوذ» مطلبی است که هنگامی فردی فهم و لازمه ای پناه بردن برایش حاصل شد، حال موقع ابراز کردن آن است؛ چرا که عمل پناه آوردن اکنون در درون او جریان یافته و حال باید جریان ربوبیت را در دیگران جاری سازد و برای آسیب ندیدنشان، آنها را امر به پناه آوردن بکند.
- فلق به معنای نشانه ای از حرکت به سمت نور و روشنایی، در پناهنده فرد مؤثر است.
- هنگامی که پناه آوردن در آیه استفاده میشود، گواه از وجود ختراتی میباشد که برای کسب مصونیت از آنها باید پناه آورد.
- یکی از روش ها در سیره پیامبر که برای تبعیت لازم است، پناه از شرور است.
- پناه به رب فلق، پناه به مدیریت و سیاست های وجودی بی نقص و محیط و قادر بر همه چیز است.
- پناه به رب فلق، در گرو توجه به ربوبیت الهی در همه مقاطع زندگی به ویژه مقاطع حساس است. # نکات ناب

شَرٌّ: هو ما يُقَابِلُ الْخَيْرِ، وَ خَيْرٌ: إِنَّهُ عِبَارَةٌ وَ عَمَّا يَخْتَارُ وَ يَنْتَجِبُ وَ يَكُونُ لَهُ رُجْحَانٌ وَ فَضْلٌ. وَ الشَّرُّ مَا فِيهِ ضَرٌّ وَ سُوءٌ أَثَرٌ وَ فِسَادٌ. (در مقابل خیر است، خیر چیزی است که بر مبنای معیار های عقلی انتخاب شده و به عنوان گزینه برتر گزینش می شود. شر چیزی است که همراه آن ضرر و سوء اثر و فساد وجود دارد.)
 خلق: هو ایجاد شیء علی کیفیتاً مخصوصه. (به معنای پدیدار شدن بر کیفیت مخصوص است)

عالم خلق را چطور می بینی؟ خسته از تمامی شکست ها و ناکامی هایت، شاکی از عالم و آدم گوشه ای می نشینی و با خود میگوئی: «هرچی سنگه مال پای لنکه! اصلاً انگار خدا همه ی مخلوقات عالم رو خلق کرده تا حال مارو بگیرن!!» (احتمالاً به دنبال کسی یا چیزی هستی که تجربیات ناکامی های گذشته ات را نقض کرده و تورا از این تصورات غلط بیرون بکشد ولی بدان تا نگاهت به عالم خلق اینطور است، تصورات غلطی که برای خود ساخته ای نیز درست هستند و همیشه در معرض شرور و شکست ها خواهی ایستاد! آری، گویی اساساً هر موقعیتی و رخدادی که در زندگی ات برایت واقع میشود سکویی و جایگاهی برای بهره مندی تو از شکست دارد! اما پس تکلیف آنها که همیشه پیروزند چه می شود؟ همانطور که در هر رخدادی، موقعیتی برای شکست و رسیدن شر به انسان ها وجود دارد، جایگاهی برای بهره مندی از پیروزی و خیر نیز هست...! پس بدان! مشکل از جایبست که ایستاده ای و از آن زاویه عالم خلق را تجربه می کنی! آری، هر پدیده و رخدادی اتفاقاً برای خیر خلق شده است. ولی آنچه که از رخدادهای و پدیده های مهم تر است، خیری یا شری است که تو میتوانی به واسطه آنها از آن بهره مند شوی. اما چگونه؟ چگونه میتوان در مواجهه با هر خلقی در عالم در موقعیتی قرارگرفت که شر و آسیبی دامن گیرمان نشده و همیشه در معرض خیرات باشیم؟ براستی رمز موفقیت و خیر همیشگی چیست؟! - نویسنده: محمد حسین زارعی

اساتید



صوت



قل اعدو برب الفلق، من شر ما خلق
 از شر هر چیزی که خلق شده.

سؤال: مگر همه چیز شرّ دارد؟ اگر شرّ دارد چرا آفریده شده؟! کمی فکر کنیم... به عنوان مثال چاقو. زمانی پوست میوه ای را می گیریم که عملی خیر است. وقتی هم با آن به کسی صدمه میزنیم. در هر دو حالت چاقو تغییری نکرده. بلکه استفاده ما از آن تغییر کرده. پس هر چیزی میتواند شر داشته باشد. میتوانیم از هر چیزی، هر طور که بخواهیم استفاده کنیم، چرا که خداوند به انسان اختیار داده و میتواند خیر را گزینش کند و یا خیر را گزینش نکند. حتی میشود از قرآن طوری استفاده کرد که به گفته خود قرآن بشویم «و ما یزید الظالمین إلا خساراً» جز خسار نداشتیم. پس بله از هر چیزی میشود استفاده شر کرد. نتیجه گیری: اگر این طور است که ما میتوانیم از هر خلقی استفاده شر داشته باشیم. پس اگر ما نواقص وجودیمان را برطرف کنیم و انسان های کاملی بشویم؛ استفاده شر از اشیا هم کمتر میشود. اگر کسی نواقص خودش را برطرف بکند شرور هم دامن گیرش نمیشود. این سوره می فرماید: «قل اعدو بربّ...» چرا که رب یعنی آن کسی که هر موجودی را به سمت کمالش سوق میدهد. بله اگر ما از ربوبیت خداوند استفاده کنیم و به سمت کمال برویم و بنا بگذاریم نواقص خودمان رو برطرف کنیم، هیچ شری دامن گیر ما نمیشود. شاید این تعبیری باشد بر همان عبارتی که خیلی از قدام مطرح کردند که «الخیر فی ما موقع». واسه آدمی مثل پیامبر که همه وجودش سر جایش میباشد هر اتفاقی برایش خیر است.
 - استاد چیت چیان

- آنچه مخلوق خداست می تواند برای انسان مایه شر شود و انسان است که مخلوق را با مواجهه های نادرستش برای خود، شر دار می کند!
- از آنجا که شرور بهانه ای برای پناه بردن انسان به ربّ فلق است، هر چیزی میتواند باعث بروز این بهانه شود.
- انسان است که خود شر را برای خودش رقم میزند. چرا که اوست که تصمیم گیرنده است؛ و اما اگر فلق رفتار خود را دیده باشد، میتواند خیر را اختیار کند و از بروز شرّ جلوگیری کند؛ از هر نوع شرّ و آسیبی!
- شرور مخلوقات از نواقص وجودی و محیطی انسان نشات میگیرند و هر چه نواقص بیشتر و گسترده تر باشند آسیب های بیشتری افراد و جوامع را تهدید می کند.

نکات ناب

وَمِنْ شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ

واژگان آیه ۳

غاسق: هو الظلمة النازلة المحيطة، سواء كانت في مادئ أو معنوی (به معنای ظلمتی است که در محیط فرو می آید بر آن مسلط می شود).
وقب: هو دخول شيء في محل (داخل شدن در محلی را گویند).

نزدیک غروب بود. خورشید مانند هر روز خود را به شفق میرساند و آرام آرام رشحات گرم نورش را بر می کشید و اهالی زمین را با ضیافتی شبانه تنها می گذاشت. شهر در سکوت و تاریکی فرو می رفت و خورشید می رفت تا در همان زمان، از مشرق سرزمینی دیگر طلوع کند. زمین به دور خود می چرخید تا با هر حرکتی، ملاقاتی ویژه با خورشید را تجربه کند. در نقطه ای طلوع را به تماشا بنشینند و شاهد آفرینش فلق باشد و در نقطه ای دیگر سرخی شفق را بیافریند. و اینچنین تجلی و نشانه خداوند باشد. گویی با هر تاریکی، نور و بشارتی برای روشنایی و حرکت نهفته است... گویی مواجهه با هر شری، فرصست برای خیر آفرینی... خورشید محو شد و حالا شب در آسمان قرار می گرفت. سپس مهتاب زیبایی خود را به رخ می کشید و چهره خود را بر عالمیان تابان میکرد و اختران را یکی یکی صدا میداد تا درخشش شب را نمایان کنند... اما امشب تفاوت میکند، مدتی میشود که شب پرده خود را بر آسمان پهن کرده بود ولی در گوشه های آسمان خبری از درخشش ستاره ای نبود. تاریک بود، نوری در افق دیده نمیشد! اما برای هیچکس دغدغه برانگیز نبود و مردمان به سکوت اکتفا میکردند، چه بسا که بسیاری آنرا نمی دیدند و یا نمی خواستند ببینند! میگفتند که امری طبیعی است؛ اما همانا آنان غافلینند، آری کسی که او را طلب پناهگاه نباشد از نمیتوان از شرور منقطع ساخت. آنهایی که این چنین اند، در سکوت هستند و از حرکت ایستاده اند؛ و اگر نه انسان در تمامی لحظات عمر خود در پی نشانه ایست که مسیر را به اون نشان دهد تا در جاده های زندگی گم نشود. اما او که در روزش سکنا دارد، قطعاً شب نیز مسیر حرکت و رشدش نخواهد بود. حاله تاریکی هر لحظه محدوده بیشتری را تحت پوشش خود قرار میدهد، گویا آماده تا مسلط شود. ولی چرا؟ از جانب چی کسی؟ اما... اما اگر چنین شود، طلوع فردا نیز از بین میرود! آیا اینطور خواهد شد؟! بعضی از آنها فریاد میزدند و تا توانی داشتند اطرافیانشان را آگاه میخواستند. ناگهان از میان جمع کسی گفت: «طبیعه تاریکی ها را کنار بزنید، قبل از آنکه تاریکی ها هر طلوعی را کنار بزنند». ولی بسیاری از مردم غافل بودند، تاریکی و رخوت مدت هاست که در نفوس بی رمقشان رسوخ کرده و دیگر کور سویی از نور و طلعت را نمیدیدند، برای کوران مگر تاریکی معنا میکند؟ اگر چشم فلق بینشان بینایی داشت جلوی آسیب ها و شرور را قبل از آنی که بیایند و حکم فرما بشوند می گرفتند... قبل از آنکه کار از کار بگذرد و غاسق، وقب شود... غاسق آماده است تا اذهان یک جامعه را در تاریکی اش غرق کند. و اگر چنین شود، آنان حتی اگر در خیر ترین موقعیت ها و در مواجهه با بهترین انسان ها هم باشند، باز هم نمیتوانی آنها را از شر و آسیب و ناکامی نجات بدهی. آنان دیگر فلقی نخواهند دید، و چه لعنزاریست، سرنوشتی که خود را از فلق های عالم محروم کرده و گرفتار سکون و حرکت نکردن و پسرفت شده است. محیط سرد و تاریک هر لحظه به جامعه نزدیک و نزدیک تر میشود، آنهایی که آنرا قبل از وقوعش مشاهده میکنند، برای خود پناهگاهی بر پا میکنند، پناهگاهی در آغوش پرودگار سپیده دم، و خود را یکی پس از دیگری پنهانند آن میگردند تا با غاسق مواجه نشوند و در این مسیر دست بسیاری را می گرفتند تا نجات دهند. آنها پناهندهی شأن را بروز میدادند... بالاخره محیط جامعه تاریک شد و کوجه های شهر بوی جهل و غفلت به خود میگرفت... و آری غاسق واقب گشت! آن مخلوقاتی که فلق شر را ندیدند و قبل از وقوعش آنرا ادراک نکردند، پناهنده رب فلق نیز نگشته اند. و دیگر چیزی را از جانب نور و رب ادراک نمیکنند و عالم خلق برایشان حکومت خود را آغاز می کند که از جنس استقربار ابدی تاریکیست و تا حرکت نکردن تو ابدیست، غاسق همیشه واقب است...

قل اعود بر الفلق... و من شر غاسق اذا وقب

نویسنده: محمد طاها خلیلی



- ابهامات زندگی، گناهان و لغزش ها از مصادیق تاریکی ها و ظلمات است که لازم است از آسیب آن پناه برد.
- قبل از آنکه تاریکی ها ماندگار و طولانی شوند لازم است انسان به رب فلق پناه برد. وجود تاریکی خود نشان از ماندگاری آن دارد که برای حفظ از ماندگاری آن باید پناه جست.
- لطمه تاریکی ها پس از ماندگاری است که به صورت ویژه به انسان و جامعه وارد می شود.

• هر کسی لازم است مراقب باشد که خود و کارهایش از مصادیق «غاسق» نباشد. # نکات ناب



إِيَّهَا الْأُمَّةَ الَّتِي خَدَعْتَ فَأَنْخَدَعْتَ وَعَرَفْتَ خَدِيعَةَ مَنْ خَدَعَهَا فَأَصْرَتْ عَلَى مَا عَرَفَتْ وَأَتَّبَعْتَ أَهْوَاءَهَا وَضَرَبْتَ فِي عَشْوَاءِ غَوَايِطِهَا وَقَدْ اسْتَبَانَ لَهَا الْحَقَّ فَصَدَّتْ عَنْهُ وَالطَّرِيقَ الْوَاضِحَ فَتَنَكَّبْتَهُ أَمَا وَالَّذِي فَلَقَ الْحَبَّةَ وَبَرَأَ النَّسَمَةَ لَوْ اقْتَبَسْتُمْ الْعِلْمَ مِنْ مَعْدِنِهِ وَشَرِبْتُمْ الْمَاءَ بَعْدُو يَتِيَهُ وَأَدَّ حَرْزِمَ الْخَيْرِ مِنْ مَوْضِعِهِ وَأَخَذْتُمْ الطَّرِيقَ مِنْ وَاضِعِهِ وَسَلَكْتُمْ مِنْ الْحَقِّ نَهْجَهُ لَنَهَجْتُمْ بِكُمْ السَّبِيلَ وَبَدَّتْ لَكُمْ الْأَعْلَامُ وَأَضَاءَ لَكُمْ الْإِسْلَامَ فَأَكَلْتُمْ رَغْدًا وَمَا عَالَ فِيكُمْ عَائِلٌ وَلَا ظَلِمَ مِنْكُمْ مَيْسِلٌ وَلَا مَعَاهِدٌ وَلَكِنْ سَلَكْتُمْ سَبِيلَ الظَّلَامِ فَأَظْلَمْتُمْ عَلَيْكُمْ دِينَكُمْ بِرَحِيحِهَا وَبَسَدَتْ عَلَيْكُمْ أَبْوَابُ الْعِلْمِ فَقَلْتُمْ بِأَهْوَائِكُمْ وَاخْتَلَفْتُمْ فِي دِينِكُمْ فَأَفْتِنْتُمْ فِي دِينِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَأَتَّبَعْتُمْ الْغَوَاةَ فَأَغْوَوْتُمْ وَتَرَكْتُمْ الْأُمَّةَ فَتَرَكُوكُمْ فَأَصْحَحْتُمْ تَحْكُمُونَ بِأَهْوَائِكُمْ...

سوغند به آنکه دانه را شکافت و جان دار را آفرید، اگر شما دانش را از معدنش کسب میکردید و آب را گوارا و شیرین نوش مینمودید، و خوبی را از جایگاهش ذخیره میکردید و راه را از آنجا که روشن است می پیمودید و به روش درست می رفتید راه را در برابر شما همواره بود و نشانه ها برای شما پدیدار و اسلام برای شما می درخشید و خوش و فراوان می خوردید و دیگر در میان شما کسی یافت نمی شد که گرسنه باشد و دیگر بر مسلمان یا هم کیش شما ستم روا نمی شد ولی شما راه تاریکی پیمودید و دنیا با همه گستردگی بر شما تیره و تار شد و درهای علم و دانش بر شما بسته گردید. شما با هوای نفس سخن گفتید و در دین اختلاف کردید، و ندانسته به احکام دین فتوی دادید، و در پی گمراهان به راه افتادید تا شما را گمراه کردند و امامان بر حق را رها کردید و آنها نیز شما را وانهادند و به وضعی افتادید که به دلخواه خود داوری کنید نه به حق بهشت کافی، ص ۶۱؛ بخشی از خطبه طالوتیه امیر المؤمنین (علیه السلام)



خیمه های قرآن



وبلاگ قانتین

امان از غفلت! امان از دور شدن از ذکر حقایق! خدا یا به تو پناه میبریم از حقایقی که نسبت به آن ها غافل بودیم! خداوند! به آخرین دعا های حضرت صدیقه (س) غفران خود را شامل اعمال غفلت زده مان بفرما...

www.qanetin.blog.ir

رهبر نوجوان

یاری دین خدا و ولی خدا سن سال نمی شناسد، پس خود را آماده کنید، شما هم نوجوان و جوانی هستید که شکستن بزرگ ترین بت های عالم می تواند به دستان شما رقم بخورد. در اینجا می خواهیم پیرامون آداب نوجوانی و رسالت تمدنی آن با هم صحبت کنیم.

www.rahbarenojavan.ir

ذی حجر

باید مطمئن بود، باید مطمئن شد... باید کاری کرد تا خداوند از ما راضی باشد... باید وارد محفل بندگان خدا شد... باید عبد شویم... آن وقت است که شهید می شوی... تا وقتی که عبد خدا نباشی، هیچگاه شهید نخواهی شد...

www.zihejr.blog.ir

وبلاگ ولعصر

فرج یعنی باز شدن گره های پلیدی، گشایش. انتظار یعنی مترصد بودن، در حال آماده باش بودن. انتظار فرج یعنی در همه حال باید آماده گشایش باشیم! خب واضح شد که آماده بودن با منفعل بودن و کار نکردن در تضاد است...

www.val-asrr.blog.ir

وبلاگ گردان تخریب

یک از کارهایی که باید سالک با تمام قلب در عبادت و حتی وظیفه که باید در باطن خود داشته باشد توجه به مقامات عز ربوبیت و ذل عبودیت است.

www.gordantakhrīb.blog.ir

زبر الحدید

از بزرگترین ویژگی های انقلاب این است که با قیام خود در برابر ظلم و موفقیت به تغییر حکومت توانست آرمان ها و اهداف خود را حفظ کند؛ گره شاید با اهداف آرمانی خود فاصله داشته باشد که این فاصله با امید خداوند در گام دوم این فاصله کمتر خواهد شد.

www.zoborolhadid.blog.ir

وبلاگ روح خدا

پروگام ما، آن ربی است که خالق تمام موجودات عالم است و هر آنچه در این عالم است به وسیله اوست که خلق شده و همواره باید توجه داشت که خلقت فقط و فقط مخصوص خداوند است.

www.roohekhoda.blog.ir

شاکله

غرب ساده تر از آنست که ما فکر می کنیم. غرب یعنی هر آنچه که لا اله الا الله نباشد هر آن چه که ملاک را از خودش بگیرد و ملاک و معیارش دیدگاه من به جای دین و سلیقه من به جای معیار باشد و به همین دلیل گفته اندگاهی شرک از حرکت مورچه سیاه بر روی تخته سنگ سیاه در دل شب تاریک مخفی تر است...

www.shakeleh.blog.ir

وبلاگ جهاد

علق میدونی ینی چی؟ علق ینی بدون تعلق داشتن به چیزی نمیتونی زندگی کنی.... ما هرچی داری از خدا داریم، ما به خدا تعلق داریم برادر من...

www.bachehayzahra.blog.ir

وَمِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ

واژگان آیه ۴

نَفْثٌ: هُوَ تَفْحٌ شَدِيدٌ مِنَ الْفَمِ فِيهِ رَيْقٌ قَلِيلٌ.

(از نفث به معنای دمیدن شدیدی است که از طریق دهان بوده و همراه آن کمی آب دهان نیز هست.)

عُقَدٌ: اِنْضِمَامٌ جُزْئِيٌّ أَوْ أَجْزَاءُ فِي نُقْطَةٍ مُعَيَّنَةٍ، وَ يُقَابِلُهُ الْحَلَّ وَ هُوَ فَكَّ الْعُقْدَةِ، مَادِيًّا أَوْ مَعْنَوِيًّا.

(به معنای گره یا پیوستن دو یا چند جزء باهم و محکم کردن آنها در یک نقطه است و مقابل آن واژه «حل» است که همان باز کردن گره مادی یا معنوی است.)

• باز شدن گره هایی که نباید باز شود و بسته شدن گره هایی که موجب بروز مشکلات است، نمونه ای از آسیب هایی است که انسان و جامعه با آن روبرو است.
• برخی افراد جامعه خواسته یا ناخواسته بر گره ها می دمند و به این علت هر کس باید مراقب باشد که از آنان نباشد. # نکات-ناب

توجه کنید

نیاز به همدم و رفیق در زندگی بسیار ملموس است. دوست از عناصر مهم و تاثیر گذار در حیات بشر است که می تواند با مقصود و یا ناخواسته مسیر زندگی ما را تغییر دهد. یک گره بین دو همدم می تواند آنقدر استوار باشد که در غدیر بر فراز جهاز شتران هستی را دگرگون کند. بعضی پیوند ها بین بعضی رفیق ها می تواند مسیر انسان را به سمت شر و شیطان منحرف کند و حتی تفکرات و سمت و سوی یک جامعه را شرور کند. از آثار پیوند های اشتباه ایجاد نقص از جانب دوست است که می تواند انسان را از هدف و مقصود خود که نزدیک شدن به کمال است فاصله دهد. از طرف دیگر می تواند دست فرد را بگیرد و بکشد و به اوج کمال برساند و یا جامعه ای را به سمت کمال هدایت کند. دوست می تواند چون مرآتی پاک بی صدا نواقص رفیقش را به او گوش زد کند و اشکالات رفیقش را بر طرف کند بعضی رفیق ها را باید حفظ کرد و بعضی ها را کنار گذاشت و وای به آن روزی که رفیقت دستت را گرفته اوج گرفتی و بالا کشیده می شوی ولی به توجهی به نقصی کوچک باعث می شود که ناگهان بر آن گره دمیده شود و سقوط می کنی و آنگاه است که فریاد می زنی من شر نفثات فی العقد نویسنده: میثم امامی

وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ

واژگان آیه ۲

حَسَدٌ: أَنْ الْحَسَدِ مِنَ الصِّفَاتِ الدَّمِيمَةِ، وَ يُوْجِبُ التَّعَبَ الشَّدِيدَ فِي نَفْسِهِ دَائِمًا، وَ هُوَ يُطَلِّبُ زَوَالَ النَّعْمَةِ وَ التَّضَرُّرَ لِصَاحِبِ النَّعْمَةِ.

(حسد از صفات ناپسند است که سختی شدیدی را در نفس انسان ایجاد میکند و با طلب زایل شدن نعمت از صاحب نعمت و متضرر شدن او همراه است.)

توجه کنید

جوانه به دنبال نور حرکت میکند، مسیر رشدش را با دسترسی به نور معین میکند، میخواهد بیشترین بهره را ببرد. مگر میشود گیاهی چنین نباشد، اگر نور نباشد، از بین میرود، درخت این را میداند. حیاتش را با نور از بدو تولدش گره زده و لحظه به لحظه این گره را محکم تر میکند. او رشد میخواهد... او حیات میخواهد... تا روزی درختی تنومند شود. پرودگاری که گیاه را آفرید و نور را به او عطا نمود نعمت روشنائی... چیزی که در دسترس است و او خودش باید او را قصد کند، درخت است که به سوی نور حرکت میکند. او میداند که چنین میخواهد و بسویش قدم بر میدارد، تنه اش را کج میکند تا به او برسد او هر روز خود را بیشتر به سوی خورشید سوق میداد، او حرکتی مستمر داشت، حرکتی خستگی ناپذیر... اما روزی رقم خورد و آسمان در هم فرو رفت و خورشید کم گشت و درخت مبهوت ماند، نمی دانست که چه شده است. ابرهای سیاه بیشتر و بیشتر میشدند، باد نعره میزد و به دور خود میچرخید، طوفانی مخوف شکل گرفت. او خشمگین بود و تنها میخواست خودش برتر باشد، با هر رشد درخت او عصبانی تر میشد. نمی توانست بپذیرد که کسی آنقدر رشد کند. و بالاخره غرشی کرد و رعدی را روانه اش ساخت. گیاه شروع به سوختن کرد. نمی دانست چرا این اتفاق رقم خورده است و در آتش حسادت طوفان می سوخت، و تمام تار و پود تنه و برگ های سرسبز و میوه های انبوهش یکی پس از دیگری به خاکستر تبدیل میشدند و در عوض زیبایی و اقتدارش مردگی و سیاهی نسبییش شد. او از بین رفته بود، همان درختی که قدش به بلندی کوه ها می رسید. آنکه نشانه سرافرازی و سر بلندی بود حال به نشانه ی مرگ تبدیل شده بود... قل اعوذ برب الفلق... من شر حاسد اذا حسد... نویسنده: محمد طاها خلیلی

همه چیز در هم پیچیده. دودی خاکستری از جنس ایهامات تمام زمین را در بر گرفته. برای بعضی این پرده خاکستری کنار رفته و با دیدن نور نشانه های مسیر تحول جهان برایشان روشن می شود. جهان در حال مقلوب شدن است. تحولی که صعودها و نزولها در آن شکل می گیرد. تحولی عمیق که توانایی وصال با ظهور خورشید پشت ابرها را دارد. تحولی که نمونه اش در تاریخ استعمار و جنگ های جهانی بوده. حجم زیاد نقوص در افراد و جوامع باعث عقب افتادگی چندین ساله برای بعضی ملل مظلوم شد. اگر رویکرد رجال تصمیم گیر برای جامعه و حتی خود مردم، رفع نقوص فردی و اجتماعی نباشد، سقوط حتمی است. و باز هم جوامع مظلوم زیر فشار ظلم استکبار جهانی نابود می شوند. اگر تمام ملل مظلوم و استکبار ستیز جهان نسبت به رب خود رویکرد استعاده و رفع نقص و پناه بردن به پروردگار را داشته باشند، به اذن الله طلوع خورشید پشت ابرهای نادانی حضرت منجی قطعی خواهد بود

نویسنده: میثم امامی



اسرائیل به دعوت عمال سیاه خود، مدرسه را کوبید. ما را می کوبند، شما ملت را می کوبند. می خواهد اقتصاد شما را قبضه کند؛ می خواهد زراعت و تجارت شما را از بین ببرد؛ می خواهد در این مملکت، دارای ثروتی نباشد، ثروتها را تصاحب کند به دست عمال خود!!

تفکر غربی مدت ها است که ملل شرقی را در بر گرفته. کشورهایی که باورها و فرهنگ های خود را فراموش میکنند و جایگزین، این گره ها، باورهای ناقص و اشتباه انگلیسی-آمریکایی را قرار میدهند که در عقولشان رسوخ میکنند و جاهلیت را به ارمغان میآورد. مدت زیادی بود که جهانیان به ساکن بودن اکتفا می کردند و این سکوت و سکنای آنها، شرور مختلفی همچون مستعمره شدن، بی عزتی، بی غیرتی و حملات فکری و نظامی بسیاری را مصور میشد. قاعده ای است که: هر که درون زندگانی اش حرکت اصلاح کنندگی در ساختارش نداشته باشد، قطعاً با شرور مخلوق مواجه خواهد شد و تنها میتواند خود مشغول زنده مانی کند. و اما عزیزان بسیاری چنان میرزا کوچک خان ها و امیر کبیر ها و ... در تلاش و کوششی برای رسیدن به کمال بودند. ولیکن که هنگامی که جامعه دچار شر شده است، ساحت طلب کمال در اجتماع باید فعال شود تا پرده تاریکی های غاسق هایی که تسلط امور را بدست گرفته اند، از ریشه بخشند. بالاخره در سال ۱۳۴۲ شمسی بود که بصیر و سمیعی کبیر از فلقی که مشاهده کرده بودند خبر میداد؛ خطر اسرائیل... آن بزرگوار میفرمودند: { اسرائیل به دعوت عمال سیاه خود، مدرسه را کوبید. ما را می کوبند، شما ملت را می کوبند. می خواهد اقتصاد شما را قبضه کند؛ می خواهد زراعت و تجارت شما را از بین ببرد؛ می خواهد در این مملکت، دارای ثروتی نباشد، ثروتها را تصاحب کند به دست عمال خود}. و پهلویان که نمی دانستند چطور مردی به چنین شجاعت و کمال رسیده است که در اوج تسلط ظلمات سخن از مشاهده نور می زند. تنها کسی می تواند به این مرتبه برسد که محرکی دائم الحركت به سوی رب باشد و حال بخواهد این جریان عظیم را برعالمیان جاری سازد و ایشان که دغدغه اش این موضوع بود به این مقام دست پیدا کرد. دشمن ترسیده بود؛ با تمام برنامه ریزی های دقیق و نظم چند صد ساله اش، فردی برخواست تا با نظام افسار گسیخته غرب مبارجه کند. این بسیار خوف برانگیز بود. امام پناهگاه خود را رب فلق قرار داده بود و جریان حاکی از آن را بر جهانیان در غالب حکومتی اسلامی ابراز می کرد. دشمن که مشاهده گر در این جرقه نورانی در عمول ایرانیان و مسلمانان عالم بود؛ هر لحظه تلاش میکرد که بر این عقد تازه نفسی تفکر اسلامی، با سرپایی حکومتی اسلامی بدمد و این گره بسته شده که باید بسته بماند را باز کند، اما نتوانست؛ عشق و علاقه مردم نسبت به امام و تشکیل حکومت روز افزون بود و این حسادت ها را شعله ور می کرد و سببی شد که مجاهدین به منافقین تبدیل شوند. حسادت از غاسق روانه میشود و همین عاملی است که چنین بروزاتی را به همراه دارد. امام فردی بودند که توان ادراکی بسیاری داشتند. فلق ها را نظاره میکردند و مسیر رسیدن به رب را، به همگان نشان میدادند و خودشان نیز فلقی بودند برای رسیدن به رب. ایشان فلقی را نظاره کردند که خبر از خاتمه طاعوت و آغاز اسلام میداد. فلقی که فرصتی طلایی بود که از آن به بهترین نحو استفاده شد و توانست جامعه را به مسیر کمال سوق دهد. مسیری که تا به امروز در تلاش رسیدن به ربوبیت خداوند هست. این صراط به نعمت و سوغات آن نشانه طلوع، و ناظرش است که اکنون توانسته به این جایگاه و مرتبه برسد. و تاریخ همچون همیشه، در حال تکرار است. دیروز ایرانی اسلامی و فردا جهانی اسلامی. ... و جعلنا من بین انصاره و اعوانه

نویسنده: محمد طاهای خلیلی

بسم الله الرحمن الرحيم

با استعانت از الله رحمن رحيم، قُلْ اَعُوذُ! استعاذه كن كه اگر از پناه گاه رب فلق محروم شوى، ديگر رنگ هيچ خير و كمالى را نخواهىديد! اگر ميخواهى هميشه در بطن شكست هاى تاريخ با شكست خوردگان و شر زدگان اين عالم خلق همراه شوى؛ همينجا كه هستى بايست و تكان نخور! همراهى با اين جماعت شر زده ي كور دل، زحمت زيادى نميخواهد، همين در راه ماندن و حرکت نكردن هاى تو، كافيست! هر لحظه فاصله بين تو و ربّت هم مسير شدن با اين جماعت است! هربار كه عاقدانه و عالمانه دست به انتخاب هاى غلط ميزنى، به آن نسبتى كه تحمل ماندنِ نقصى در وجود خويش را دارى، به همان نسبت از ربّت دورى و به شرور و شكست ها نزديك! آرى سوره مباركه فلق آمده است تا با نشان دادن دامان امن رب، طعم شيرين هميشه پيروز بودن را به كام تمام عالم خلق بچشاند و بگويد سلاحي دارد كه هيچ اهرىمنى در سراسر عالم توان مقابله با آن را ندارد! سلاحي به نام حرکت اسوره مباركه فلق آمده است كه دست تمامى طواغيط عالم را رو كند حتى اگر به اندازه ي كل خلق، شر و ناكامى و شكست داشته باشند... آمده است كه هر تهديدى براى تو فرصتى باشد براى حرکت آمده است تا هستى را به سوى كمال رهبرى كند. پس مسلح به سلاحش شو و چشمت را به انتهای افق هاى كمال بدوز و انتظار فلق را بكش. به انتظارش منشين كه به انتظارش ايستاده بايد حرکت كرد. الهم عجل لوليک الفرج والعافیة والنصر وجعلنا من خير اعوانه و انصاره و المسارعين اليه فى قضاء حوائجه و مستشهدين بين يديه...

اللهم صل على محمد و آل محمد

نویسنده: محمد حسين زارعی

نکته طهارتی

سوره مباركه فلق حكايت پناه بردن به ربوبيت خداوند تبارك و تعالى از تمامى شرورى كه ممكن است انسان رو به خودش مشغول كند؛ شرورى كه در واقع موجب مى شود انسان ها دچار اشتباه بشوند. سوره مباركه فلق آمده است تا آن شرورى را كه باعث مى شوند ما زمين گير بشويم آن شرورى كه باعث مى شوند مسير كمال ما متوقف بشود؛ براى هميشه ما را از آن شرور نجات بدهد. فهم ربوبيت خدا فهم اين مطلب كه من بايد دائم در مسير خداوند تبارك و تعالى در حال حرکت باشم، مى شود موضوع سوره مباركه فلق. اين مى تواند ما را از تمام ماندن ها و درجا زدن ها نجات بدهد. آن چيزى كه به عنوان نکته کاربردى ميشود از سوره مباركه فلق فهميد اين است كه هر وقت دچار يك مشكلى شديم؛ دچار دردسرى شديم؛ حواسمان باشد اينها نشانه هاى هستند براى اينكه ما راه رفتن را ياد بگيريم. هيچ وقت از راه رفتن نايستيم كه به حرمت سوره مباركه فلق توقف كردن در هر شرايطى ممنوع است. به عنوان مثال از حسد پرهيز كنيم. حسد يعنى من در مسير رشد خودم متوقف مى شوم. در نتيجه ميخواهم ديگران هم متوقف بشوند خب در مسير رشد خودمان متوقف نشويم تا هيچ وقت دچار حسد هم نشويم. انشاءالله...

خداوند براى اينكه ما به سمت كمال حرکت كنيم در زندگى ما نشانه هاى بسيارى قرار داده است نشانه هاى مختلفى كه به ما مى گويند نايبست، كه اگر بايستي چون به سمت كمال حرکت نكردى ميتوانى از هر چيزى استفاده نادرست بكنى. اگر ما هيچ وقت از حرکت نيفتىم، هيچ وقت هم سقوط نمى كنيم.

استاد چيت چيان

ايستگاه تفكر

- 1) شاهد وقوع فلقى بوده ايد؟ چگونه مى توان از آن بهترين استفاده را كرد؟
- 2) چرا افراد از حرکت كردن بسوى كمال مى ايستند؟ اگر از حرکت ايستاده اند چگونه مجدداً به حرکت بازگردند؟
- 3) در تحقق آرمان هاى الهى در يك جامعه، فلق چه نقشى مى تواند داشته باشد؟
- 4) مصاديق استعاذه به رب الفلق را در جامعه بياييد.
- 5) آيا چيزى در عالم وجود دارد كه قبل از وقوعش فلقى ظاهر نشود؟
- 6) اگر يك جامعه از استعاذه به رب الفلق غافل شوند چه اتفاقاتى خواهد افتاد؟
- 7) آيا تا بحال به رب فلق پناه آورده ايد؟ اگر آورده ايد چگونه پناه بردنتان را ابراز کرده ايد؟
- 8) چه تفاوت هاى پس از مطالعه سوره فلق در شما رقم خورد؟ فلق هايشان را ياد كنيد.

سورهنامه

تهران، بلوار مردزرادان، نرسیده به اتوبان اشرفی
اصفهانى، خيابان حضرت ابوالفضل (ع)، مسجد
حضرت ابوالفضل (ع)

درگاه اينترنتى : rahbarenojavan.ir

سردبير : محمد طاها خليلی

طراحی و صفحه آرایی : محمدصادق پویان، محمد طاها خليلی،
ميثم امامی

ايدۀ پرداز : محمد حسين ضيائي فر

گروه پژوهشی : محمد حسين زارعی، ميثم امامی
محمد طاها خليلی

دسترسی به تمام فایل هاى چند رسانه ای در آدرس زیر:
www.sorehname.blog.ir